

گورنوشته پهلوی سنگ زین (کازرون ۱۶)*

سیروس نصراله‌زاده (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
عمادالدین شیخ‌الحکمایی (پژوهشگر موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران)

چکیده: مقاله حاضر در باره پیدایی و قرائت کتیبه‌ای نویافته از نوع گورنوشته‌های پهلوی ساسانی است. این کتیبه به مانند بسیاری از این نوع کتیبه‌ها در منطقه غنی کازرون یافت شده است. تاکنون از این منطقه گورنوشته‌های بسیاری به خط پهلوی متصل یافت شده که مربوط به آغاز دوره اسلامی در این منطقه است. بخش انتهایی این کتیبه به دست نیامده، ولی ساختار آن مطابق معمول این نوع کتیبه‌هاست. این گورنوشته از آن شخصی به نام خورشیدگشنسپ است.

کلیدواژه‌ها: گورنوشته پهلوی ساسانی، تدفین زردشتی، کتیبه‌های ساسانی، کازرون.

در آغاز سال ۱۳۹۰، در ضلع جنوب‌شرقی کازرون، در میانه مسیر جاده منتهی به دریاچه پریشان، دو پاره از یک سنگ گور به خط پهلوی ساسانی یافت شد^۱ که تنها

* این شماره بر پایه تدوین و شماره‌گذاری گورنوشته‌های خط پهلوی کازرون در این منبع صورت گرفته است: نصراله‌زاده ۱۳۸۵.

(۱) کشف این کتیبه را مدیون دقت نظر آقای عبدالعلی شیخ‌الحکمایی هستیم.

یک پاره از آن دارای سه سطر نوشته است. مکان دقیق‌تر این اثر، در حاشیه زمین‌های کشاورزی موسوم به «سنگ زین»، در نزدیکی چارتاکی ساسانی^۱ است. بیشتر کتیبه‌های یافت شده در منطقه کازرون، به‌ویژه در سال‌های اخیر، در همین محدوده، یعنی فاصله میان کازرون فعلی و دریاچه پریشان به پیدایی آمده است. علت شاید این باشد که به استناد منابع مکتوب کهن مرتبط با حوزه فرهنگی کازرون، موقعیت مکانی شهر قدیم کازرون که در متون قدیم به «بلدالعتیق» شهرت داشته است در همین فاصله، یعنی میان کازرون فعلی و دریاچه پریشان واقع بوده است (محمود بن عثمان ← *فردوس المرشدیه*، ص ۱۶۱، ۱۷۰، ۱۷۴). کازرون فعلی از قرن سوم به بعد و هم‌زمان با فعالیت‌های شیخ ابواسحاق کازرونی و ایجاد مجتمع عظیم مرشدی توسط او شکل می‌گیرد. اما بلدالعتیق همچنان تا سده هشتم مسکونی بوده است (محمود بن عثمان، *مفتاح‌الهدایه*، ص ۲۳۶). جنس این کتیبه از نوع سنگ گندمی است و شکل آن مشابه بیشتر گورنوشته‌های این منطقه، از نوع گهواره‌ای توخالی است. بنابراین، بخش روی کتیبه قوسی شکل است و نوشته بر دوسوم سمت چپ سطح سنگ نوشته شده است؛ یعنی به اندازه یک سوم طول هر سطر حاشیه دارد. رسوبات روی بخش داخلی سنگ نشان می‌دهد که احتمالاً سال‌ها از این کتیبه به عنوان سنگ آب استفاده می‌شده است.

کتیبه حاضر از نوع کتیبه‌های گورنوشته به خط پهلوی ساسانی کتابی است. ساختار آن مشابه ساختار سبکی کتیبه‌های گورنوشته است که شیوه تدفین آن از نوع تابوت سنگی است. این نمونه تابوت‌های سنگی به همراه کتیبه پیش از این در کتیبه‌های بیشاپور ۵ (کازرون ۱۰)، کتیبه پریشان (کازرون ۲)، کتیبه مشتان (کازرون ۳)، کتیبه حسین‌آباد (کازرون ۴) با تفاوت در نوع تابوت، و کتیبه گلی بر مزاری (کازرون ۵) دیده شده است. هم وجود تابوت سنگی، و هم واژه‌ای که برای این نوع تدفین بر این کتیبه‌ها آمده، می‌نمایاند که نوع تدفین دیگری را شاهد هستیم (نک: ادامه مقاله). به سبب شکستگی تابوت سه سطر از این کتیبه باقی مانده است که به شرح زیر حرف‌نویسی، آوانویسی، و ترجمه می‌شود.

۱) این چارتاکی پیشتر توسط ماکسیم سیرو (۱۳۷۱: ۱۳۱-۱۳۵) معرفی شده است.

حرف نویسی

1. ZNE 'špl Y
2. whšt bhl
3. hwlhšyt gw[šnsp]
4. [NPŠE]

آوانویسی

1. ēn ašb/war ī
2. wahišt bahr
3. Xwarxšēd Gu[šnasp]
4. [xwēš]

ترجمه

«این اشور/ آرامگاه بهشت بهر خورشید گُ [شنسپ] (است).»

تعلیقات

سطر نخست مشابه ساختار معمول گورنوشته‌های زردشتی است. واژه مورد مناقشه در این نوع کتیبه‌ها که نوع تدفین را نیز نشان می‌دهد، واژه ašb/war است که بارها در کتیبه‌های سنگ‌مزار آمده است، همچون کتیبه کازرون ۲ (سطرهای ۱ و ۱۳)، کازرون ۴، کازرون ۵، کازرون ۹، کازرون ۱۰/۱۰ بیسپور ۵، و کازرون ۱۵ (زیر چاپ). آنچه از کتیبه‌های گورنوشته دانسته شده، این است که دو واژه برای معنای عام قبر یا تدفین زردشتی دیده شده است: یکی واژه دخمه (daxmag) است که به گونه خاص بیشتر در کتیبه‌هایی آمده که بر حفره‌های کنده شده در کوه آمده است و عموماً این حفره‌ها با کتیبه یا بی‌کتیبه به نام دخمه مشهور هستند. این واژه برای نوع دیگر تدفین که شاید خمره‌ای بوده نیز آمده است. کتیبه این نوع تدفین گاه بر ستونی نوشته شده است، مانند کتیبه‌های سمیرم و کتیبه باغ لردی، یا در حفره‌های کوچکی که در معرض آب باران بوده‌اند، مانند کتیبه‌های استخر/تخت طاووس. این حفره، به سبب کوچکی نمی‌توانسته است جای نگهداری استخوان بوده باشد. نخستین بار احمد تفضلی این قرائت را پیشنهاد داد، در شرح کتیبه کازرون ۲/ پریشان (۱۹۹۱: ۱۹۹) با بازسازی به صورت

'šp(w)l /ašpwar/ در سطرهای ۱ و ۱۳، یا به صورت hšpwl. او در مقاله دیگر خود (۱۹۹۴: ۲۶۶، پانوش ۴) به درستی، با تصحیح قرائت پیشین آن را 'špl /ašbar/ *ašpwar < *ašbwar < ašbar/ašwar خوانده است (نیز: همو ۵-۱۹۹۴: ۱۸۱). این قرائت مبتنی بر صورت خطی کتیبه است و دست‌کم هشت بار در کتیبه‌های گورنوشته، این صورت خطی آمده است و به همین جهت دیگر بازسازی مجاز نخواهد بود. ژاله آموزگار (۱۳۸۱: ۶۶) نیز در قرائت کتیبه گورنوشته موسوم به «گلی بر مزاری»، حرف‌نویسی 'špwl و آوانویسی ašbar/ašwar را آورده است. از این‌رو، در کتیبه‌های حسین‌آباد/ کازرون ۴، بیشاپور ۴/ کازرون ۹، بیشاپور ۷/ کازرون ۱۳، حرف‌نویسی به 'špl و آوانویسی به ašb/war باید تصحیح شود. این واژه صرفاً بر این نوع تابوت‌های سنگی آمده است. خاطر نشان باید کرد که هیچ‌کدام از این تابوت‌ها در حفاری به دست نیامده و تماماً در زمین‌های کشاورزی پیدا شده‌اند. این تابوت‌ها در واقع درپوش استودان هستند که بر روی حفره‌های مسطح در کوه‌ها نهاده می‌شدند؛ و برجستگی‌های کناری دستگیره هستند که برای حمل تعبیه شده‌اند.^۱

ašb/war از دو جزء ašb از ašp و پسوند war تشکیل شده است. تفضلی ašp «استراحت» را گونه گویشی برای صورت‌های h/spyn «آسایش، استراحت» در پهلوی کتابی می‌داند که در فارسی میانه ترفانی به صورت hsp- «آرمیدن، استراحت کردن» و hspyn «استراحت، جای استراحت» آمده است؛ بسنجید با: ^۲ پازند aspīn «استراحت»، aspīnmand «با آرامش»، خوارزمی hsf- «آرام گرفتن»، ختنی āspātā «مکان استراحت، مأمن». نیز در واژه اسپنج و سپنج، در سغدی -spync، -spnc، -spnc و در فارسی میانه ترفانی hspynj. در پارتی ترفانی spynj، و در پهلوی spnc دیده می‌شود (تفضلی ۱۹۹۱: ۲۰۰ با ارجاعات؛ و نیز: رضائی باغبیدی ۲۰۱۱: ۱۰۸). hasp و دیگر صورت‌های آن، از صورت مضاعف شده *ha-spā (مکنزی ۱۹۸۰: ۳۹۸) است؛ از ریشه فعلی spā به معنای «آرمیدن، استراحت کردن» (بیلی ۱۹۷۹: ۲۹). نکته اصلی در اینجا وجود š در واژه مورد نظر است. تفضلی متوسل شده است به صورت‌هایی از واژه اسپنج دخیل در آرامی تلمودی و

(۱) با سپاس از دوست گرامی دکتر علیرضا شاه‌محمدپور برای این تذکر.

(۲) واژه دیگر در معنای گور در همین متون h'y'n /hāyān/ آمده است (دورکین مایسترانست ۲۰۰۴: ۱۷۶).

سریانی و مندایی (آرامی تلمودی: 'wšpyzkn'، سریانی: 'šp(y)zkn'، مندایی: 'špynz') که با š آمده‌اند. اما این مورد قابل تعمیم نیست و در تمامی موارد در زبان‌های ایرانی میانه غربی s آمده است. دیگر اینکه تمامی این شواهد صرفاً به معنای استراحت و مکان استراحت است و موردی که معنای گور و قبر داشته باشد دیده نشده است.^۱ تنها مورد مشابه، واژه aspānwar یا aspānūr است که آن نیز محل مناقشه است. چنانکه منصور شکی نشان داده، و آن را مرتبط با واژه hasp دانسته، این واژه در دو معنا در متون پهلوی به کار رفته است: یکی در معنای «قبر، آرامگاه، دخمگستان» و دیگری در معنای «اقامتگاه سلطنتی» (شکی ۱۹۸۸: ۹۴). در دو کتیبه سنگ مزار دو واژه آمده که قرائت‌کنندگان آنها را با بازسازی، aspānūr/aspānwar خوانده‌اند: یکی کتیبه بیشاپور ۵ (کازرون ۱۰) است که ژینیو (۱۹۷۵: ۲۲۲) با بازسازی آن را spnl' حرف‌نویسی کرده؛ که البته این بازسازی غیرضروری است و دقیقاً همین واژه مورد بحث است. دیگری کتیبه دوزبانۀ چینی-پهلوی در شی‌آن چین است که هومباخ (۱۹۸۸: ۷۷ و ۷۹) آن را به صورت عجیب n'spwl خوانده و صورتی غلط برای spnwl دانسته است که باز بر اساس استنساخ هومباخ به نظر می‌رسد با صورت همان واژه‌ای روبه‌رویم که تفضلی آن را ašwar خوانده است. دوبلوا (۱۹۹۳: ۳۳) این واژه را astwar «جای استخوان» و هارماتا در کتیبه شی‌آن به صورت astōdān (۱۹۷۱: ۳۶۳) بازسازی کرده‌اند که هر دو غیر قابل پذیرش است. به‌تازگی رضائی باغبیدی (۲۰۱۱: ۱۰۶-۱۰۸)^۲ کتیبه شی‌آن را بازخوانی کرده و قرائت این واژه را به صورت špwl' با آوانویسی ašpwar پذیرفته است، که درست‌ترین قرائت از این واژه است. تنها در کتیبه میدانک صورت astōdān و در کتیبه استانبول صورت gōr آمده است. واژه دخمه در کتیبه‌های استخر/تخت طاووس،

۱) در زبان‌های ایرانی میانه شرقی تبدیل s به š دیده می‌شود: در منابع سغدی واژه‌هایی مثل nš'yp: «دفن کردن، پوشاندن»، šybt: «دفن کردن، پوشاندن»، šyp: «دفن کردن، پوشاندن»، و mšyp: «دفن کردن، پوشاندن» آمده است (به ترتیب در قریب ۱۳۷۴: ۱۱۱، ۱۷۹۸، ۱۸۰۲، ۵۵۰۴). چونگ (۲۰۰۷: ۱۴۶) برای špn amšpn سغدی ریشه *huap/f «خفتن، خوابیدن» را پیشنهاد می‌کند؛ برای نظر مخالف آن، نک: رضائی باغبیدی ۲۰۱۱: ۱۰۸). شاهد دیگر واژه bayaspān یا صورت صحیح‌تر bayāspān است که در منابع سغدی به صورت‌های by'nyšp، by'nyšp، by'npš آمده است (زوندرمان ۱۹۹۸: ۱۱۲ به بعد).

۲) سپاس بسیار از دکتر رضائی باغبیدی که مقاله خود را در اختیار نگارنده قرار داد.

کتیبه‌های سمیرم، کتیبه اقلید، تنگ جلو و شاه اسماعیل آمده است. چنانچه ادامه کتیبه در سطر دوم بوده و سطر نخست ادامه نداشته باشد، باید گفت کسره اضافه \bar{I} که بعد از واژه *ašwar* آمده است و در دیگر کتیبه‌های سنگ مزار دیده نشده، شاید تأثیری از فارسی نو بوده باشد.

عبارت *wahišt bahr* در سطر دوم کتیبه عبارتی معمول در ساختار کتیبه‌های گورنوشته است. این عبارت و دیگر صورت‌های آن در کتیبه‌های بیشاپور ۱/ کازرون ۶، بیشاپور ۲/ کازرون ۷، بیشاپور ۴/ کازرون ۹، بیشاپور ۷/ کازرون ۱۳، استخر، تنگ جلو و تنگ کرم، چهار کتیبه از امامزاده شاه اسماعیل، پاسارگاد، کازرون ۱ و ۲ بند ۸-۹، کازرون ۳، کازرون ۴، و کازرون ۵ نیز آمده است. عبارت مشابه آن، واژه انوشروان (*anōšruwān*) است که در کتیبه‌های کازرون ۲، بیشاپور ۳/ کازرون ۸، بیشاپور ۵/ کازرون ۱۰، کتیبه شی‌آن چین، باغ لردی، و یک کتیبه امامزاده شاه اسماعیل آمده است. در سطر سوم کتیبه نام شخص متوفا آمده است. دو صورت از این نام دیده شده است: یکی صورت کهن‌تر با $xš$ ایرانی باستان (اوستایی: *huuarə.xšaēta*)، در نام‌های ایرانی دخیل در منابع سامی به صورت *kwrkšyd / Xvarxšēd/* (ژینیو و دیگران ۲۰۰۹: ۱۴۱، شماره ۴۱الف و ۴۱ب) و بر روی یک اثر مهر ساسانی به صورت *hwlhšyt / Xvar(x)šēd/* پسر یزد (*Yazd*) (همو ۱۹۸۶: ۶۸، شماره ۳۶۵) و در منابع پارسی میانه مانوی به صورت *xwrxšyd, hwrxšyd / Xwarxšēd/* (دورکین مایسترانست ۲۰۰۴: ۳۶۹). در متون زردشتی همین صورت دیده شده است (فره‌وشی ۱۳۸۱: ۶۳۹. به صورت *Xvarxšēt*؛ و نیبرگ ۲۰۰۳: ۲۲۱. به صورت *hwlhšyt / X^aar-xšēt/*). صورت متأخرتر در یک کتیبه تخت طاووس/ استخر به صورت *hwl(š)yt / Xvaršēd/* پسر پُسگوگ و نیز در نام «خورشیدماه» آمده است (ژینیو ۱۹۸۶: ۱۸۸، شماره ۱۰۳۹ و ۱۰۴۰) و در سکه‌های طبرستان صورت *hwlšty* / *Huršīd/* نام یکی از فرمانروایان اسپهبدان است (آلرام ۱۹۸۶: ۲۱۶). از جزء دوم نام تنها بخش نخست باقی مانده که به صورت «گشنسپ» بازسازی شده است. نام‌های با جزء گشنسپ از پربسامدترین نام‌های دوره ساسانی است.

(۱) قرائت ژینیو (۱۹۷۵) باید تصحیح شود. وی عبارت آمده در سطر دوم را تماماً یک نام گرفته، که به انوشروان پناه، مرحوم پناه، (*anōšruwān Panāh*) باید تصحیح شود (تفضلی ۱۹۹۱: ۲۰۰، شماره ۱۹).

واژه خویش (از ایرانی باستان *xvaipaθya، اوستایی: xvaē-paiθya، فارسی باستان: (h)uvaipašiya) در سطر چهارم این کتیبه، در اصل قید مشترک است، به معنای «خویش، مال خود، از آن، متعلق به»، و در بسیاری از این نوع کتیبه‌ها آمده است. نیز در فعل xwēšēnīdan «از آن خویش کردن، به خود اختصاص دادن» (مکنزی ۱۳۷۳: ۱۶۶) و اسم مصدر xwēšēnišn «تعلق به خود» (فروه‌وشی ۱۳۸۱: ۶۴۲) و در متون فقهی و حقوقی زردشتی، اصطلاحی حقوقی، با ترکیبات مختلف آن، در خصوص مالکیت است؛ و اموال شخصی یا به ارث رسیده را بیان می‌کند؛ که در سنت وقف یا همان «برای روان» (pad ruwān) کاربردی بسیار دارد. این کاربرد در کتیبه‌های آمده بر جام‌های دوره اشکانی و ساسانی و نیز مهرنگاره‌های ساسانی دیده می‌شود.

منابع

- آموزگار، ژاله، ۱۳۸۱، «گلی بر مزاری: مزارنوشته نویافته‌ایی به پهلوی ساسانی از کازرون»، نامه ایران باستان ۳، س ۲، ش ۱، بهار و تابستان، ص ۶۳-۶۹.
- سیرو، ماکسیم، ۱۳۷۱، «بنای کوچک عصر ساسانی در نزدیکی کازرون»، آثار ایران، ج ۱، تهران.
- فروه‌وشی، بهرام، ۱۳۸۱، فرهنگ زبان پهلوی، تهران.
- قریب، بدرالزمان، ۱۳۷۴، فرهنگ سغدی (سغدی-فارسی-انگلیسی)، تهران.
- محمود بن عثمان، فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۵۸.
- مفتاح الهدایه و مصباح العنایه (سیرتنامه ملخص شیخ امین‌الدین بلینی کازرونی)، پژوهش عمادالدین شیخ‌الحکمایی، تهران، ۱۳۷۶.
- مکنزی، دیوید، ۱۳۷۳، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه شهید میرفخرایی، تهران.
- نصراله‌زاده، سیروس، ۱۳۸۵، کتیبه‌های پهلوی کازرون، تهران.

Alram, M., 1986, *Nomina Propria Iranica in Nummis: Materialgrundlagen zu den iranischen Personennamen auf antiken Münzen*. Iranisches Personennamenbuch IV, Wien.

Bailey, H. W., 1979, *Dictionary of Khotan Saka*, Cambridge.

Cheung, J., 2007, *Etymological Dictionary of the Iranian Verb*, Leiden-Boston.

de Blois, F., 1993, "Middle-Persian Funerary Inscriptions from South-Western Iran", *Medioiranica: Proceedings of the International Colloquium Organized by Katholieke Universiteit Leuven from the 21st to the 23rd of May 1990*, ed. W. Skalmowski and A. Van Tongerloo, Leuven (= *Orientalia Lovaniensia Analecta*), pp. 29-43.

Durkin-Meisterernst, D., 2004, *Dictionary of Manichaean Middle Persian and Parthian*, Turnhout.

- GIQNOUX, Ph., 1975, "Notes d'épigraphie et d'histoire sassanides, IV. Inscription funéraire pehlevie de Bišāpūr", *Mélanges linguistiques offerts à Émile Benveniste*, Louvain, pp. 221-223.
- , 1986, *Noms propres sassanides en moyen-persé épigraphique*, *Iranisches Personennamenbuch II*, Wien.
- GIQNOUX; Ph., JULLIEN, Ch. and JULLIEN, F., 2009, *Noms propres Syriaques d'origine iranienne*, *Iranisches Personennamenbuch II*, Wien.
- HARMATA, J., 1971, "The Middle Persian-Chinese Bilingual Inscription from Hsian and the Chinese-Sāsānian Relations", *Atti del convegno internazionale sul tema: La Persia nel Medioevo*, Roma, pp. 363-376.
- HUMBACH, H., 1988, "Die pahlavi-chinesische Bilingue von Xi'an", in *A Green Leaf: Papers in Honour of Professor Jes P. Asmussen (Acta Iranica 28)*, Leiden, pp. 73-82.
- MACKENZIE, D.N., 1980, "Mani's Šābuhragān- II", *BSOAS*, 43/2, pp. 288-310 (*Iranica Diversa*, vol. 1, ed. G. CERETI and L. PAUL, 1999, Roma, pp. 119-153).
- NYBERG, H.S., 2003, *A Manual of Pahlavi: Part 2: Glossary*, Tehran.
- REZAI BAQHBIDI, H., 2011, "New Light on the Middle Persian-Chinese Bilingual Inscription from Xi'an", *The Persian Language in History*, ed. M. Maggi and P. Orsatti, Wiesbaden, pp. 105-115.
- SHAKI, M., 1988, "Pahlavica", *Acta Iranica 28 (Asmussen Festschrift)*, Leiden, pp. 93-95.
- SUNDERMANN, W., 1998, "On a Middle Persian Legal Term and Its Forgotten Origin", *Proceedings of the Third European Conference of Iranian Studies*, Part 1: Old and Middle Iranian Studies, ed. N. SIMS-WILLIAMS, Wiesbaden, pp. 121-130.
- TAFAZZOLI, A., 1991, "L'inscription funéraire de Kāzerun II (Parīšān)", *Studia Iranica* 20.2, pp. 197-202.
- TAFAZZOLI, A., 1994-5, "Two Funerary Inscriptions in Cursive Pahlavi from Fars", *Orientalia Suecana XLIII-XLIV*, pp. 177-182.
- TAFAZZOLI, A. and Sheikh-al-Hokamayi, E., 1994, "The Pahlavi Funerary Inscription from Mashtan (Kāzerun III)", *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, 27, pp. 265-267.